



اندیشکده فرهنگ و توسعه

یادداشت



نویسنده: مانوئل مونیز

منبع انتشار: سیاست اجتماعی در اتحادیه اروپا

تاریخ انتشار: ژوئیه ۲۰۲۵

دانشگاه‌ها در محاصره

یک حساب جهانی برای آموزش عالی

چشم‌انداز آموزش عالی در حال دگرگونی عظیمی است و دولت‌ها در سراسر جهان تغییرات سیاسی قابل توجهی را اجرا می‌کنند که اغلب با مقاومت شدید خود مؤسسات دانشگاهی روبرو می‌شوند. مسلماً این تغییر در ایالات متحده، جایی که دولت ترامپ سیاست‌هایی را معرفی کرده است که مدل دانشگاهی توسعه‌یافته از زمان جنگ جهانی دوم را زیر سوال می‌برد، بیشتر مشهود است.

در اوایل سال ۲۰۲۵، دولت ایالات متحده به طور قابل توجهی بیش از ۱۱ میلیارد دلار از کمک‌های مالی و قراردادهای تحقیقاتی فدرال را کاهش داد. این اقدام، بودجه کمک‌های مالی را به حالت تعلیق درآورد و حمایت از هزینه‌های غیرمستقیم را به ۱۵ درصد از ارزش کمک‌های مالی محدود کرد و به شدت ظرفیت تحقیقاتی بسیاری از مؤسسات آموزش عالی را مختل کرد. علاوه بر این، دولت یک رژیم مالیاتی پلکانی بر درآمد موقوفات دانشگاه پیشنهاد داد که به طور بالقوه نرخ‌ها را برای مؤسسات ثروتمندتر تا ۲۱ درصد افزایش می‌دهد، که تغییر قابل توجهی نسبت به نرخ ثابت قبلی ۱.۴ درصد است. در صورت اجرا، این تغییرات بودجه موجود برای بورسیه‌ها، عملیات و نوآوری را کاهش می‌دهد. برجسته‌ترین اقدام، لغو گواهینامه SEVP دانشگاه‌ها را در ماه مه ۲۰۲۵ بود که به طور موقت آن را از ثبت نام دانشجویان بین‌المللی منع کرد. اگرچه یک دادگاه فدرال این تصمیم را لغو کرد، اما نشان دهنده یک روند سیاسی گسترده‌تر علیه تحرک دانشجویان بین‌المللی است.

بسیاری از کشورهای دیگر نیز در حال تغییر سیاست‌های دانشگاهی خود هستند و روند رو به رشد آشکاری در حال ایجاد موانعی برای جابجایی دانشجویان بین‌المللی است. اقدامات محدودکننده‌ای توسط دولت‌های استرالیا، هلند، انگلستان و کانادا به کار گرفته شده است. در سال ۲۰۲۳، دولت هلند برنامه‌هایی را برای کاهش تعداد برنامه‌های آموزش انگلیسی در دانشگاه‌های دولتی و اولویت دادن به دانشجویان هلندی و اتحادیه اروپا در پذیرش اعلام کرد. در ژوئیه ۲۰۲۴، استرالیا هزینه‌های ویزای دانشجویی بین‌المللی را از ۷۱۰ دلار به ۱۶۰۰ دلار افزایش داد و سقف ۲۷۰،۰۰۰ جای خالی برای دانشجویان دانشگاهی اعلام کرد. کانادا نیز با تعیین سقف برای مجوزهای دانشجویی و محدودیت‌های جدید در مورد واجد شرایط بودن برای کار، از این روند پیروی کرد. در همین حال، انگلستان از ژانویه ۲۰۲۴ اکثر دانشجویان را از آوردن افراد تحت تکفل خود منع کرد که منجر به کاهش ۶.۲ درصدی ویزاهای اعطا شده شد. علیرغم تغییرات ملی، مسیر مشخص است: عبور از مرزها برای ادامه تحصیل برای دانشجویان دشوارتر می‌شود.

استقلال دانشگاهی همچنین از طریق مداخلات مستقیم سیاسی و اقدامات قانونی با هدف کنترل محتوای دانشگاهی و ساختارهای مدیریتی به چالش کشیده می‌شود. در چندین کشور، دولت‌ها اقداماتی را برای کاهش آزادی دانشگاهی انجام داده‌اند، مانند سازماندهی مجدد آکادمی علوم مجارستان در سال ۲۰۱۸ و جابجایی اجباری دانشگاه اروپای مرکزی. در ایالات متحده، قوانین اخیر در سطح ایالتی به دنبال محدود کردن تدریس در موضوعات خاص، به ویژه در دانشگاه‌های دولتی، بوده‌اند. الگوهای مشابهی در هند و ترکیه نیز مشهود است، جایی که فشار سیاسی به طور فزاینده‌ای انتصابات و برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها را شکل داده است.

اگرچه ایجاد یک رشته واحد در تمام این سیاست‌ها که بسیاری از آنها به شرایط منحصر به فرد ملی پاسخ می‌دهند، چالش برانگیز است، اما یک ویژگی مشترک، تحولات آموزش عالی را به حوزه‌های سیاست‌گذاری گسترده‌تر مانند تجارت و مهاجرت مرتبط می‌کند. ما شاهد شکاف در چشم‌انداز آموزش عالی بین‌المللی هستیم. کشورها به سمت مدلی حرکت می‌کنند که تحرک کمتری را ترویج می‌دهد، ارزش تکثر در کلاس درس را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و مؤسسات را تشویق می‌کند تا مشارکت‌های اجتماعی خود را در قالب اصطلاحات محدودتر و ملی تعریف کنند. از این نظر، زیر سوال بردن فزاینده جهانی شدن و به طور گسترده‌تر، وابستگی متقابل، اکنون به دانشگاه‌ها رسیده است.



به نظر می‌رسد این فرآیند با آرزوهای بسیاری از جوانان در تضاد است. به عنوان مثال، نظرسنجی دانشجویان بین‌المللی QS در سال ۲۰۲۳ نشان داد که ۸۷ درصد از دانشجویان آینده، تحصیل در خارج از کشور را برای رشد شخصی و موفقیت شغلی ضروری می‌دانند. این موضوع همچنین با نیازهای کارفرمایان همسو است؛ یک مطالعه Erasmus+ Impact در سال ۲۰۲۱ نشان داد که دو سوم کارفرمایان هنگام استخدام، تجربه بین‌المللی را به عنوان یک دارایی کلیدی ارزیابی می‌کنند. آموزش همچنین به یک صادرات قابل توجه تبدیل شده است: تنها در ایالات متحده، پیش‌بینی می‌شد که آموزش عالی تا سال ۲۰۲۵ سالانه بیش از ۹۰ میلیارد دلار درآمد داشته باشد. بنابراین، محدود کردن جریان دانشجویان بین‌المللی، تعالی و اثربخشی نهادی را تضعیف می‌کند.

علاوه بر این، اقداماتی که به مؤسسات دانشگاهی، بودجه یا استقلال آنها آسیب می‌رساند، بسیار مخرب به نظر می‌رسد. دانشگاه‌ها مدت‌هاست که ارزش قابل توجهی برای جامعه فراهم کرده‌اند. آنها محور تولید دانش هستند - به عنوان مثال، بیش از 60 درصد از کل تحقیقات پایه در ایالات متحده، در مؤسسات آموزش عالی انجام می‌شود. از نظر اقتصادی، دانشگاه‌ها به طور قابل توجهی در رشد محلی و ملی نقش دارند. انجمن دانشگاه‌های آمریکا گزارش می‌دهد که مؤسسات عضو آن به تنهایی بیش از 289 میلیارد دلار فعالیت اقتصادی در سال 2021 ایجاد کرده‌اند. انجمن دانشگاه‌های اروپا تأکید کرده است که به ازای هر 1 یورو سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، تا 4 یورو به صورت مزایای اقتصادی گسترده‌تر بازگردانده می‌شود. علاوه بر این، دانشگاه‌ها به عنوان موتورهای تحرک اجتماعی، نوآوری فرهنگی و مشارکت دموکراتیک عمل می‌کنند.

بنابراین، چرا این سیاست‌های تهاجمی و تجدیدنظرطلبانه به کار گرفته می‌شوند؟ دانشگاه‌ها قرن‌هاست که به دلیل مشروعیت خود در نظر ذینفعان کلیدی، تا حد زیادی در برابر تهدیدات وجودی مقاومت کرده‌اند. با این حال، آنچه زمانی آنها را از دخالت‌های سیاسی محافظت می‌کرد، اکنون کمتر قطعی به نظر می‌رسد. امروزه، استقلال آنها با کاهش باور بخش‌های بزرگی از جامعه به اهمیت و ارزش آنها به چالش کشیده شده است. مشروعیت - نه اندازه موقوفات یا قدرت قانونی - باید پایه و اساس تاب‌آوری نهادی باشد.

نهادها از منابع مشروعیت متعددی بهره می‌برند که مسلماً چهار مورد از آنها اهمیت ویژه‌ای دارند. مورد اول، داشتن ارزش‌های مشترک و منسجم است. با این حال، دانشگاه‌ها به دلیل استانداردهای دوگانه مورد حمله قرار می‌گیرند - به عنوان مثال، به دلیل دفاع از آزادی بیان برای برخی و نه برای برخی دیگر. منبع دوم مشروعیت، رویه‌ای است که از اداره شدن مؤسسات با عدالت و یکنواختی در اعمال قوانین و هنجارها ناشی می‌شود. در اینجا نیز، دانشگاه‌ها با چالش‌هایی روبرو هستند، از جمله جانبداری یا اعمال معیارهای پذیرش مغرضانه، به ویژه آنهایی که به نفع افراد ممتاز هستند. منبع سوم مشروعیت، خروجی است. حضور در دانشگاه و اخذ مدرک باید بازده بسیار مثبتی به همراه داشته باشد. با این حال، اقتصاد امروز برای فارغ التحصیلان دانشگاه کمتر سخاوتمند است. فرسایش اقتصاد حقوق و دستمزد، با درآمدی که به طور فزاینده‌ای به صاحبان سرمایه تعلق می‌گیرد، برای موسساتی که به طور سنتی به آموزش کارگران ماهر و دارای درآمد اختصاص داده شده‌اند، نوید خوبی نمی‌دهد. علاوه بر این، هزینه دانشگاه در بسیاری از نقاط به طور قابل توجهی افزایش یافته است و معادله ارزش در برابر پول مدرک دانشگاهی را کمتر جذاب می‌کند. در نهایت، منبع نهایی مشروعیت نهادی، ورودی است: اینکه نهادها بخشی از جوامع وسیع‌تری هستند که در اداره امور خود - هرچند کوچک - نقشی دارند. این موضوع بار دیگر به چالش کشیده شده است، چرا که دانشگاه‌ها به عنوان نخبه‌گرا، منزوی، جدا از جوامعی که در آن قرار دارند و متعهد به تداوم نخبگان اجتماعی و اقتصادی به تصویر کشیده می‌شوند.



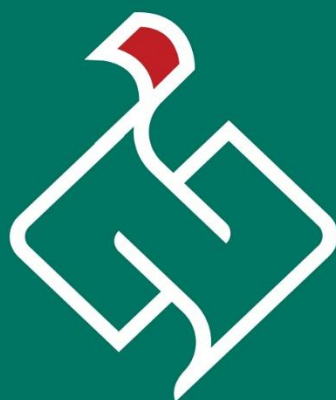


دانشگاه‌ها برای مواجهه بهتر با این محیط جدید چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ اول و مهم‌تر از همه، باید به ارزش‌هایی که مؤسسات دانشگاهی طی قرن‌ها بر اساس آنها ساخته شده‌اند، دوباره متعهد شد. مهم‌ترین این ارزش‌ها، تفکر انتقادی و کثرت‌گرایی فکری است. در واقع، دانشگاه‌ها باید فضاهایی باشند که افراد در آنها یاد بگیرند چگونه فکر کنند، نه اینکه به چه چیزی فکر کنند. این بدان معناست که آنها نباید به عنوان فضاهای فکری امن ساخته شوند، بلکه باید به عنوان انجمن‌هایی بسیار شلوغ و متنوع ساخته شوند که در آنها از دیدگاه‌های متنوع استقبال می‌شود. دوم، دانشگاه‌ها باید ارتباطات عمیقی با دنیای عمل ایجاد کنند. در محیطی که به طور تصاعدی در حال تغییر است، به مؤسسات کاربردی نیاز است که دنیای دانش و عمل را به هم پیوند دهند. این همچنین به معنای ارتباط عمیق با فناوری و گنجاندن آن در تمام فعالیت‌هایشان است. از این رو، چابکی و تمایل به تغییر از ویژگی‌های کلیدی دانشگاه‌های موفق در قرن بیست و یکم خواهد بود.

سوم و در آخر، دانشگاه‌ها باید در انتقال ارزش‌هایی که به دانشجویان و جوامع محل فعالیت خود ارائه می‌دهند، عملکرد بسیار بهتری داشته باشند. این امر باید با اصلاحاتی در رهبری دانشگاه آغاز شود که باید کاملاً از نبرد ایده‌ها و برداشت‌هایی که مؤسساتشان درگیر آن هستند، آگاه باشند. دانشگاه‌ها نباید به بازیگران سیاسی تبدیل شوند، بلکه باید درک کنند که بر اساس شایستگی‌هایشان قضاوت می‌شوند و بنابراین باید مایل و آماده باشند تا در هر فرصتی، ارزش خود را مشخص کنند.

همانند سایر حوزه‌های سیاست‌گذاری، اکنون عدم قطعیت زیادی در آموزش عالی وجود دارد. ما در حال ورود به دنیایی با ریسک بالای نظارتی و سیاسی هستیم. دانشگاه‌ها همچنان سنگ بنای اقتصادهای دانش‌بنیان و جوامع ما هستند، به طور کلی. محافظت از آنها چیزی بیش از حفظ سنت‌های قدیمی است - به معنای تجدید درک عموم از هدف و ارزش آنها است. در این لحظه از اختلال، دانشگاه‌ها باید واضح‌تر صحبت کنند و قاطعانه‌تر عمل کنند.





انديشكده فرهنگ و توسعه

 WWW.CDSTT.IR

 [CDSTT.IR](https://www.instagram.com/CDSTT.IR)

 [CDSTT](https://twitter.com/CDSTT)